

# نقد و نظر

شامل:

- معرفی و نقد کتاب
- نقدِ نقد
- ترجمه (از عربی به فارسی)
- گزارش
- گفت و گو و...





کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)  
دانشگاه رازی، دوره دهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۹)، پاییز ۱۳۹۹، صص. ۱۳۳-۱۳۴  
(نقد و نظر)

## معرفی کتابی در حوزه ادبیات تطبیقی و مطالعات میان‌رشته‌ای (ادبیات و حقوق)

مالوری، فیلیپ (۱۳۸۱). *ادبیات و حقوق*. ترجمه مرتضی کلانتریان. چاپ اول، تهران، آگه، ۳۸۲ صفحه.

کتاب ادبیات و حقوق؛ تألیف فیلیپ مالوری که مرتضی کلانتریان آن را زیبا و روان از زبان فرانسه به فارسی ترجمه کرده و از سوی انتشارات آگه، روانه بازار کتاب شده است، رابطه میان ادبیات و علم حقوق را بررسی می‌کند. این رابطه آن‌گونه که نویسنده اثر اعتقاد دارد، از چهار جنبه قابل تصور است:

۱. حقوق ادبی: شامل مسئولیت مدنی نویسنده و تکالیف وی در برابر قانون مطبوعات است.
۲. حقوق به‌منزله ادبیات: به بررسی کیفیت ادبی نوشته‌های حقوقی توجه دارد.
۳. حقوق در مقایسه با ادبیات که شامل ساختار ادبی حقوق می‌شود و به مقایسه میان شیوه‌های حقوقی و ادبی توجه دارد.

۴. حقوق در ادبیات: نحوه‌ای که ادبیات از قانون، عدالت و مسائل بزرگ حقوقی صحبت می‌کند.

آنچه مورد نظر نویسنده این اثر است؛ همان مورد چهارم است؛ یعنی نویسنده به بررسی و تحلیل نگرش ادبیات به مبانی عمیق جامعه و پایه‌های حقوقی می‌پردازد و براین باور است که ادبیات به مخاطبان اجازه می‌دهد تا حقوق را بهتر بفهمند. چنین رویکردی می‌تواند هم مورد استفاده اصحاب ادبیات قرار گیرد که می‌خواهند ادبیات را از نگاه دیگری ببینند و نیز متخصصان حقوق که می‌خواهند قوانین حقوقی را در آینه ادبیات بنگرند.

نویسنده، معتقد است که رابطه حقوق و ادبیات در دو نکته کلیدی، قابل تجمیع و تلخیص است:

۱. فرهنگ هر ملتی با حقوق آن ملت آمیخته و در تعامل است.
۲. حقوق هر ملتی نیز به فرهنگ آن ملت، بستگی دارد.

البته از دیدگاه مؤلف، کسانی مخالف این تعامل و داد و ستد میان‌رشته‌ای و دوسویه هستند و بر این باور اصرار می‌کنند که حقوق با قانون، مقررات، عرف، پلیس، زندان و... مرتبط است و هیچ ارتباط و

پیوندی با ادبیات ندارد و به‌طور کلی موضوع، زبان و اهداف علم حقوق با موضوع، زبان و اهداف ادبیات تناسب ندارد. ادبیات با زیبایی، تخیل، لطافت و جذابیت در تعامل است و حقوق با زبان فنی، علمی، محدود، مشخص، اثبات‌گرایی، قانون‌گذاری و جهان‌واقعیت در ارتباط است؛ اما مالوری، با وجود پذیرش این تفاوت‌های طبیعی، خلاف این مسئله را اعتقاد دارد؛ زیرا از زاویه دیگری به این دو می‌نگرد و بر این باور است که عدالت، صلح، پرهیز از افراط‌کاری، خردورزی، تقدس، آزادی، برابری، برادری، احترام به انسان، و... پایه‌های اساسی تمدن، حقوق و جامعه‌اند. این مقوله‌ها نه به حقوق تعلق دارند و نه به ادبیات؛ اما هم از آن این‌اند و هم از آن دیگری؛ یگانگی عمیق تفکر بشری بر هر دو تکیه دارد. حقوق با خشکی و موشکافی؛ تفکر را در عمل اعمال می‌کند، ادبیات با ظرافت و جذابیت به گونه‌ای عمیق، اما نه دقیق، این تفکر را غنا می‌بخشد و گسترش می‌دهد.

کار ادبیات، فقط خلق زیبایی نیست. ادبیات، سرشار از زندگی و مسائل مرتبط با زندگی است و از راه شعر و نثر و گونه‌های آن دو می‌تواند زمینه‌های ترویج و پذیرش یا مخالفت و طغیان را در برابر مباحث حقوقی تبیین و تحلیل کند. جامعه انسانی به هر دو نیازمند است و نمی‌تواند از این یا آن صرف نظر کند.

مالوری در این کتاب با بررسی قطعاتی از بیست و چهار شاعر، نویسنده و فیلسوف، از یونان باستان تا عصر حاضر که نوشته‌هایشان با حقوق و مباحث حقوقی ارتباط دارد، رابطه دوسویه و خویشاوندی حقوق و ادبیات را بررسی کرده است.

تورج زینی‌وند\*

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران